نکته

جلوه‌نمایی اعتبار تهدید ایران در جبهه لبنان

گروه سیاسی

جنگ تحمیلی سوم بلکه صحنه‌ای برای بازتعریف موازنه بازدارندگی در منطقه و آزمون عملی اراده راهبردی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شد. اگرچه در طول این نبرد، ابعاد مختلفی از توانمندی‌های نظامی ایران به نمایش درآمد، اما شاید مهم‌ترین دستاورد آن، افزایش اعتبار تهدیدات جمهوری اسلامی و اثبات عینی اراده تهران برای استفاده از قدرت سخت در مواقع ضروری باشد.

در سال‌های گذشته، راهبرد «صبر استراتژیک» ایران در برابر مجموعه‌ای از اقدامات خصمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی، اگرچه مزایای خاص خود را داشت، اما به مرور زمان موجب شکل‌گیری برداشت‌هایی نادرست در برخی محافل تصمیم‌سازی دشمن شد. در اتاق‌های فکر واشنگتن و تل‌آویو این تصور تقویت شده بود که ایران یا فاقد توان لازم برای ورود به یک تقابل گسترده نظامی است یا به دلایل سیاسی و اقتصادی تمایلی به تصعید درگیری‌ها ندارد. این برداشت، زمینه‌ساز افزایش سطح تهدیدات و اقدامات تهاجمی دشمنان علیه منافع جمهوری اسلامی شده بود.

هرچند سه عملیات «وعده صادق» تا حدی این محاسبات را دچار اختلال کرده بودند، اما وعده صادق ۴، ضربه‌ای تعیین‌کننده به این انگاره وارد ساخت. حملات همزمان به اهداف و پایگاه‌های آمریکا در منطقه و نیز تداوم عملیات‌های موشکی و پهپادی علیه رژیم صهیونیستی طی حدود چهل روز، نشان داد که جمهوری اسلامی نه تنها از ظرفیت لازم برای ورود به یک نبرد فرسایشی برخوردار است، بلکه در صورت لزوم از به کارگیری این ظرفیت نیز ابایی ندارد. در جریان این نبرد، بار دیگر تأکید شد که تهدیدات ایران صرفاً در سطح بیانیه و موضع‌گیری سیاسی باقی نمی‌ماند و در صورت عبور دشمن از خطوط قرمز، قابلیت تبدیل شدن به اقدام عملی را دارد.

یکی از مهم‌ترین بزنگاه‌های نمایش این اعتبار تهدید، ماجرای تهدید رژیم صهیونیستی به گسترش حملات خود به لبنان و هدف قرار دادن بیروت بود. در واکنش به این تهدید، قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا بیانیه‌ای صادر کرد که در آن اعلام شد هرگونه تجاوز به لبنان و بیروت با پاسخ متناسب و قاطع جمهوری اسلامی ایران مواجه خواهد شد و همچنین به ساکنان مناطق شمالی اسرائیل و شهرک‌های نظامی هشدار داده شد که شاید مجبور شوند این مناطق را ترک کنند. اهمیت این موضع‌گیری بیش از متن بیانیه نهفته بود، زیرا دشمن به خوبی می‌دانست که هشدارهای صادرشده از سوی ایران دیگر صرفاً جنبه تبلیغاتی ندارند و میان اعلام تهدید و اجرای آن فاصله‌ای نیست. حتی برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که سپاه تعدادی از لانچرها را بیرون آورده و آماده شلیک کرده بود.

پیامد فوری این اقدام سپاه در عرصه بین‌الملل دیده شد. دونالد ترامپ در شبکه تروث سوشال اعلام کرد که گفت‌وگوی تلفنی «بسیار سازنده‌ای» با نتیاهو داشته و نتیجه آن این بوده که هیچ نیروی نظامی به بیروت اعزام نشود و نیروهایی که در مسیر بودند بازگردانده شوند. او همچنین مدعی شد از طریق نمایندگان با حزب‌الله نیز گفت‌وگو شده و طرفین با توقف تبادل آتش موافقت کرده‌اند.

در ادبیات راهبردی، «اعتبار تهدید» یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بازدارندگی محسوب می‌شود. جنگ رمضان از این منظر، نقطه عطفی برای جمهوری اسلامی ایران بود؛ زیرا شکاف میان «توان» و «اراده» را از نگاه دشمن از میان برد. اکنون نه تنها توان موشکی، پهپادی و عملیاتی ایران برای طرف مقابل آشکارتر شده است، بلکه اراده سیاسی و نظامی تهران برای استفاده از این ابزارها نیز به اثبات رسیده است.

مهم‌ترین پیامد راهبردی جنگ رمضان، تغییر محاسبات دشمنان جمهوری اسلامی است. اگر پیش از این برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای احتمال می‌دادند که ایران در برابر فشارهای فزاینده صرفاً به واکنش‌های محدود سیاسی بسنده کند، اکنون ناچارند گزینه پاسخ نظامی مستقیم و گسترده تهران را نیز در معادلات خود لحاظ کنند. این تغییر محاسبه، همان چیزی است که می‌تواند در سال‌های آینده به تقویت بازدارندگی ایران و کاهش احتمال ماجراجویی‌های جدید علیه منافع ملی کشور منجر شود.

استمرار غدیر

ادامه از صفحه اول

غدیر به ما می‌آموزد که دین بدون ولایت، به مجموعه‌ای از احکام پراکنده تبدیل می‌شود و ولایت بدون دین نیز به قدرتی تهی از معنویت. اکمال دین و اتمام نعمت در آن بود که انسان پس از پیامبر، راه را گم نکند و پرچم هدایت برزمین نماند. از این رو، بزرگداشت غدیر تنها جشن یک خاطره نیست؛ تجدید عهد با راهی است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله آغاز شد، در وجود امیرالمؤمنین علیه‌السلام تبلور یافت، در سیره اهل بیت علیهم‌السلام استمرار پیدا کرد و در هر عصر، به دست مؤمنان صالح و مجاهدان راه حق ادامه می‌یابد.

غدیر، پیمان همیشگی میان امت و ولایت است؛ پیمانی برای آنکه دین کامل بماند، نعمت الهی استمرار یابد و پرچم حق هیچ‌گاه برزمین نیفتد.

امامین انقلاب بهترین دانش‌آموزان نهج‌البلاغه بودند و منشور حکومت علوی را در جهان امروز به احسن وجه پیاده‌سازی کردند

دور هبر علوی

گروه سیاسی

اگر تاریخ را نه تنها به مثابه توالی رویدادها، بلکه به مثابه نمودار تکرار اراده‌های اخلاقی بنگریم، آنگاه پیوند میان سه شخصیت محوری این پژوهش، امام علی علیه‌السلام، امام خمینی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، خود را نه به صورت تصادف، بلکه به صورت نوعی تسلسل هوشمند در باب قدرت و تکلیف نشان می‌دهد. این سه چهره، با همه فاصله‌های زمانی‌شان، در یک نقطه به هم می‌رسند: حکومت، نه حق که وظیفه است؛ و وظیفه، نه ابزار سلطه که امانت خدمت.

امام خمینی و امام خامنه‌ای هریک به شیوه‌ی خود ـ یکی در موقعیت بنیانگذاری و دیگری در موقعیت استمرار ـ از سرچشمه واحدی آبیاری شدند؛ سرچشمه‌ای که نهج‌البلاغه نامش بر تاریخ نقش بسته است.

امام‌علی‌علیه‌السلام وقتی در خطبه سوم نهج‌البلاغه ـ که به شقشقیه معروف است ـ از پذیرش خلافت سخن می‌گوید، آن را نه به مثابه کسب قدرت بلکه به مثابه پاسخ به تکلیف توصیف می‌کند. می‌گوید اگر این حضور مردم نبود و اگر نگران نبود که باغبیتش باب ستم گشوده شود، مهار خلافت را رها می‌کرد. این تصویر از حکومت که در آن رهبر خود را طالب قدرت نمی‌داند بلکه محمول تکلیف می‌داند یکی از محوری‌ترین وجوه مشترک میان هر سه شخصیت این جریده است.

در نگاه علوی، عدالت شرط مشروعیت حکومت و اصلی سازمان‌دهنده در ساختار حکومت است. عدالت اجتماعی در دوران امام علی علیه‌السلام برای نخستین بار به صورت یک مفهوم جامع ـ که ابعاد سیاسی اقتصادی، اداری و قضایی را یکجا دربرمی‌گرفت ـ صورت‌بندی شد.

یکی از درخشان‌ترین وجوه منش علوی، زندگی سراپا زهد در اوج قدرت است. امام علی در حالی که بر پهناورترین قلمروی جهان اسلام آن روزگار حکم می‌راند، خود را موظف می‌دانست که مانند فقیرترین رعایایش زندگی کند تا دردِ فقر را فهم کند. در حدیث مشهور گفته‌اند که با دو نوع شمع به کار می‌نشست: با شمع بیت‌المال برای کارهای عمومی و با شمع شخصی برای کارهای خصوصی. این سطح دقت در امانت‌داری، الگویی بود که دو رهبر انقلاب اسلامی آن را به صورت مستمر به آن استناد کردند.

نامه پنجاه و سوم نهج‌البلاغه به مالک اشتر ـ که شاید مهم‌ترین سند نظری حکومت‌داری اسلامی در تاریخ باشد ـ چارچوبی ارائه می‌دهد که در آن حاکم خادم مردم است نه صاحب آن‌ها. امام علی علیه‌السلام در این نامه از مالک می‌خواهد که قلبش را برای مردم آکنده از لطف و محبت کند، به ویژه به محرومان و ضعیفان بنگرد، واز گردآمدن اطرافیان چاپلوس بپرهیزد. این رویکرد، نقد مدیریتی از درون ـ یکی از مشخصه‌هایی است که در هر دو رهبر انقلاب اسلامی بازتاب آشکار دارد.

برای فهم این که چرا انقلاب اسلامی ایران به صورت خاص در تاریخ قرن بیستم جایگاه یافت، باید شخصیت امام خمینی را نه صرفاً در پرتو ادبیات سیاسی متعارف بلکه در پرتو همین سنت علوی که او خود بارها بدان ارجاع می‌داد تحلیل کرد.

امام خمینی در صورت‌بندی نظریه ولایت فقیه، به صراحت از الگوی حکومتی پیامبر اکرم و امام علی علیه‌السلام به عنوان ایده‌آل فقیه حاکم بهره گرفت. او معتقد بود که فقیه جامع‌الشرایط در عصر غیبت، وظیفه دارد همان کارکردهایی را که امام علی در دوران حکومتش داشت ـ اجرای عدالت، حمایت از مستضعفان، مبارزه با ظالمان به دوش بکشد. این نه یک ادعای تشریفاتی، بلکه پایه فقهی نظام جمهوری اسلامی بود.

یکی از مشخصه‌های ممیزه ادبیات سیاسی امام خمینی، محوریت مفهوم مستضعفین است. صف‌آرایی مستکبران در مقابل مستضعفان ـ که موجی تکرارشونده در کلام و پیام او بود و مستقیماً از آموزه‌های علوی آب می‌خورد. امام علی علیه‌السلام در نامه مالک اشتر تأکید کرده بود که همواره چشم به طبقه پایین جامعه داشته باشد، زیرا «مردم همه عیال‌وان خورخراج‌دهندگان هستند»، امام خمینی این آموزه را به زبان سیاسی قرن بیستم برگرداند و از آن موتور محرک انقلاب ساخت.

امام خمینی با آن که در سال‌های آخر عمر به معنای واقعی کلمه رهبر یک کشور بزرگ بود، تا پایان عمر در خانه‌ای ساده در جماران زیست. شیوه زندگی‌اش ـ خوراک ساده، پوشش بی‌تکلف، دوری از هر نشانه ثروت و تجمل ـ به نحو آشکاری الگوی علوی را در ذهن ناظران تداعی می‌کرد. مهم‌تر از ظاهر امر، این بود که امام خمینی چارچوب فکری‌اش در باب ارتباط حاکم با قدرت، همان چارچوب علوی بود: قدرت ابزار خدمت است نه هدف.

یکی از محوری‌ترین وجوه منش علوی، آزادگی در برابر قدرت است. امام علی علیه‌السلام که نه به معاویه گردن نهاد و نه از اصول عدالتش در قبال زیاده‌خواهان کوتاه آمد، نمادِ آنچه شد که بعدها «منطق حسینی» نام گرفت: مرگ را با عزت بر زندگی با ذلت ترجیح دادن. امام خمینی این روحیه را به صورت زنده در سیاست خارجی و داخلی نشان داد. نه در برابر فشارهای آمریکا کوتاه آمد، نه از اعمال احکام اسلامی در برابر متنفذان داخلی هراس نشان داد. این بُعد از شخصیت امام خمینی را همه ناظران ـ موافق و مخالف ـ تأیید کرده‌اند.

اگر امام خمینی چون پدری بود که سنت علوی را در قالب نهادی نوین بازسازی کرد، آیت‌الله خامنه‌ای آن نهاد را در طول‌انی‌ترین و پیچیده‌ترین دوره حیاتش مدیریت کرد. دوره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، که از واخر دهه شصت آغاز شد با جنگ سرد، فروپاشی شوروی، جهانی شدن، تحریم‌های فزاینده، تحولات منطقه‌ای و بحران‌های داخلی متعدد همزمان بود. این که در چنین متن پیچیده‌ای چه عناصری از میراث علوی در سبک حکومت‌داری او قابل ردیابی است، پرسش اصلی این بخش است.

در طول دوره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، مفهوم عدالت اجتماعی یکی از محوری‌ترین اصطلاحات در ادبیات رسمی نظام ماند. او بارها امام علی علیه‌السلام را به عنوان الگوی کامل حکومت‌داری معرفی کرد و گفت حکومت علوی الگویی است که عدالت در آن نه یک شعار بلکه ساختاری عملی داشت. در فرمان هشت‌ماده‌ای سال ۱۳۸۰ که به‌منزله منشور مبارزه با فساد اقتصادی صادر شد، خود امام خامنه‌ای این فرمان را در راستای الگوسازی نظام علوی قلمداد کرد. محققان بعدی نشان دادند که اغلب بندهای این فرمان ریشه در نامه پنجاه‌وسوم نهج‌البلاغه ـ عهدنامه مالک اشتر ـ دارد.

امام علی علیه‌السلام در نامه مالک اشتر به صراحت فرموده که اگر خراج دهندگان در تنگنا باشند، حاکم باید با کاهش مالیات از فشار آن‌ها بکاهد، و این تخفیف سرانجام به آبادانی سرزمین بازمی‌گردد. این منطق ـ که خیر عمومی در گرو رفاه قشرهای پایین جامعه است ـ منطق یک اقتصاد سیاسی مشخص را می‌سازد. قائد شهید در تعیین اهداف نهایی نظام اسلامی، دو هدف «خدمت به مردم» و «برافراشتن پرچم عدالت اسلامی» را به صورت تکرارشونده مطرح کرد که هر دو مستقیماً از سنت علوی قابل استنتاج است.

آیت‌الله خامنه‌ای در جلسات و بیانات متعدد، امام علی علیه‌السلام را به عنوان الگوی جامع مدیریت اسلامی تبیین کرده است. این تبیین‌ها چند محور داشت: اول، زهد فرمانروایان به مثابه شرط لازم حکومت اسلامی. که فرمانداران حوزه حکومتی باید این درس را عملاً فرابگیرند نه فقط نظراً. دوم، پاسخگویی به مردم. که در نگاه علوی، حاکم در برابر ضعیف‌ترین رعایا پاسخگوست نه فقط در برابر صاحبان قدرت. سوم، حفظ استقلال در برابر لابی‌های داخلی. که امام علی علیه‌السلام آن قدر از این مسئله سخن گفت که مقاومتش در برابر اصحاب نفوذ داخلی، از جمله علل بزرگ‌ترین بحران‌های دوران حکومتش شد.

د) استکبارستیزی: پیوند میان سه نسل

امیرالمؤمنین علیه‌السلام بزرگ‌آموزگار ایستادگی و عدم سازش در برابر دشمنان خداست. مولا می‌فرماید: « بدانید که خدا شما را می نگرد و نگهبان شماست، زیرا، همراه پسرعم رسول الله (ص) پیکار می کنید. بی درپی، حمله کنید و از فرار شرم دارید، زیرا عار فرار، سبب سرافکندگی فرزندان خواهد شد، در این جهان، و آتش دوزخ را در آن جهان در پی دارد.

از جانبازیهای خود شاد مان باشید و سبك و آسان به‌سوی مرگ روید. به‌آن سپاهی انبوه، یعنی، سپاه شامیان بتازید و بر آن سراپرده ای که طنابهایش به اطراف کشیده شده، حمله برید و شمشیرهای خودبربال و کتفشان فرود آرید. که شیطان در درون آن لانه کرده است. دستی پیش داشته که بجهد و بتازد و پایی واپس نهاده، که به هنگام بگریزد. آهنگ او و یارانش کنید، تا پرتو حقیقت بر شما تجلی کند. «شما برترهستید و خدا با شماست و از پاداشهایتان نخواهد کاست.»

امام خمینی این سنت را در قالب مفهوم «استکبار جهانی» بازسازی کرد و آن را محور سیاست خارجی انقلاب قرار داد. آیت‌الله خامنه‌ای این خط را با تصریح بر این که هرگز با قدرت‌هایی که سلطه ظالمانه بر ملت‌های دیگر دارند کنار نخواهد آمد، ادامه داد . در بیانات قائد شهید می‌خوانیم: «ایستادگی جمهوری اسلامی، مظهر عدالت‌خواهی امیرالمؤمنین است. آنچه ما ملت ایران و مسئولان بالخصوص برعهده داریم، این است که این الگو را هرچه بیشتر به نمونه‌ی اصلی خود نزدیک و شبیه کنیم. در داخل کشور شعار «عدالت» را جدی باید گرفت؛ شعار «دینداری» را جدی باید گرفت؛ راه امیرالمؤمنین را جدی باید گرفت و همین است که میتواند ما را برای رسیدن به آرمانها و آرزوهای بلند ملت ایران کمک کند؛ کما اینکه خصوصیات امام بزرگوار ما در آن چیزهائی که پیشرفت جامعه و حیات جامعه‌ی اسلامی محتاج آن هست، شبیه خصوصیات امیرالمؤمنین بود؛ البته با فاصله‌ی مشخصی که بین آن قله‌ی عظیم با انسانهای معمولی هست. امام بزرگوار ما در راه حق و عدالت قائل به رودربایستی و ملاحظه‌ی این و آن و ترس و ضعف و عقب‌نشینی نبود؛ او هم همانطور که امیرالمؤمنین توصیه فرموده بود که: «لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقلّة اهله»،(۱) از تنهائی نمیترسید؛ از اینکه تنها بماند، نمیترسید، واهمه نداشت؛ حق با اوست، پس خدا با اوست. با مجاهدت حرکت کرد، خدای متعال هم ملت ایران و ملتهای مسلمان را با او در دل و در جوارح همراه کرد و دیدید چه حرکت عظیمی به وجود آمد. امام اینجوری بود.

امروز هم مسئولان کشور و آحاد مردم ما اگر میخواهند ملت ایران به آن قله‌ی بلند عظمت و افتخار و عزتی که آرزویش را دارد، دست پیدا کند، باید همین راه را دنبال کنند؛ باید با شجاعت تمام، با آگاهی و بینش کامل، با خطرپذیری در مقابل قدرتمندان و زورگویان و زورمندان عالم این راه را ادامه دهند. موفقیت در «ایستادگی» است.»

بررسی دقیق‌تر این سه رهبر، چند محور اشتراک عمیق را آشکار می‌کند که به‌نظر می‌رسد نه تصادفی بلکه ساختاری است.

الف) نفی برتری‌طلبی شخصی

هر سه شخصیت یک رویکرد مشترک به قدرت دارند: قدرت را نه به نام خود، بلکه به نام امانتی می‌گیرند که باید پس بدهند. امام علی در نهج‌البلاغه از «ذلتِ تسلیم» در برابر قدرت یاد می‌کند اما از «عزتِ تکلیف» دفاع می‌کند. این همان منطق است که هم امام خمینی هم آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین رهبری‌شان بر آن تأکید گذاشتند. فاصله‌ای که هر دو رهبر انقلاب اسلامی با فرهنگ سلطنتی گذاشتند. در نحوه زندگی، در نحوه سخن گفتن با مردم، در نحوه توصیف نقش خود. از همین سرچشمه می‌آید.

ب) کارکرد فرهنگی و تربیتی حکومت

در اندیشه علوی، حکومت نه تنها یک نهاد اداری بلکه یک نهاد تربیتی است. امام علی علیه‌السلام می‌گفت برعهده امام است که «حدود اسلام و ایمان را به اهل ولایتش بیاموزد». هر دو رهبر انقلاب اسلامی این تفسیر از حکومت را پذیرفتند: ترویج اخلاق در جامعه را از مهم‌ترین وظایف حکومت دینی می‌دانستند و ساختار کامل حکومت را ملزم به رعایت اخلاق در منش و عملکرد می‌دیدند. این نگاه، که در بسیاری از نظام‌های سیاسی مدرن غایب است، یکی از مشخصه‌های پایدار اندیشه حکومتی علوی در دو رهبر انقلاب است.

ج) شجاعت سیاسی و نپذیرفتن کوتاه آمدن

هر سه شخصیت در برابر فشارهای سختی قرار گرفتند که از آن‌ها می‌خواست از اصول شان کوتاه بیایند. امام علی علیه‌السلام از سازش با معاویه سر باز زد با آن که می‌دانست این تصمیم چه هزینه‌ای خواهد داشت. امام خمینی در اوج فشار بین‌المللی در جنگ هشت‌ساله، از گفت‌وگوهای سازش‌آمیز که اصول جمهوری اسلامی را به خطر می‌انداخت خودداری کرد. آیت‌الله خامنه‌ای نیز در برابر انواع فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی، از آنچه آن را «خطوط قرمز» مقاومت می‌نامید پا پس نکشید. این ثبات اصول در برابر مصالح لحظه‌ای، یکی از محوری‌ترین ارزش‌های مشترک این سه رهبر با یکدیگر و با میراث علوی است.

د) پیوند با توده مردم

یکی از پارادوکس‌های جالب منش علوی این است که با وجود صلابت در اصول، امام علی علیه‌السلام همواره خود را در برابر مردم عادی از هر حاکمی مسئول‌تر می‌دانست. «رهبر و امام کسی است که امت را به دنبال خود می‌کشاند و خود پیش‌قراول حرکت است». این توصیف از رهبر در نهج‌البلاغه، توصیف خادم است نه ارباب. هم امام خمینی هم آیت‌الله خامنه‌ای این الگو را در رابطه‌شان با مردم به ویژه طبقات پایین جامعه نشان دادند. ادبیات هر دو سرشار از اشاره به «مردم کوچه و بازار، محرومان و مستضعفین است که این‌ها نه اصطلاحات تبلیغاتی بلکه مقوله‌های محوری در تعریف مشروعیت از نگاه آن‌هاست.

متن حاضر کوشید نشان دهد که شباهت میان امام خمینی و امام شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سبک و اندیشه حکومتی‌شان نه پدیده‌ای تاریخی تصادفی است و نه صرفاً نتیجه نسب معنوی مستقیم یکی از دیگری؛ بلکه هر دو از یک منبع واحد سنت حکومتی علوی آبیاری شدند و از همین رو، وجوه مشترک آن‌ها در واقع بازتاب تداوم همان سنت در دو شرایط متفاوت تاریخی است.

اگر بخواهیم این پیوند را در چند گزاره خلاصه کنیم: حکومت در این سنت نه انباشت قدرت بلکه تحمل مسئولیت است. عدالت نه یکی از اهداف حکومت بلکه شرط اصلی مشروعیت آن است. رهبر نه بالای مردم که در پیش روی آن‌هاست. و مقاومت در برابر قدرت‌های ستمگر نه یک انتخاب سیاسی بلکه یک الزام دینی است. این چهار گزاره ـ که در نهج‌البلاغه بنیان دارند. در اندیشه و عمل هر دو رهبر انقلاب اسلامی به شکل‌های مختلف قابل ردیابی هستند.

آنچه این تداوم را از تقلید صرف متمایز می‌کند، این است که هر دو رهبر انقلاب اسلامی در مواجهه با چالش‌های متفاوت روزگار خود، همان اصول را به زبان و شرایط زمانه‌شان برگرداندند. این توانایی ـ که به جای تقلید ساده اصول را در بستر تاریخ جدید تفسیر کنند. خود گواه دیگری است بر عمق پیوندشان با یک سنت زنده، نه یک متن منجمد.

برگ سبز سند کارخانه خودروسواری پژو۴۰۵ به رنگ خاکستری مدل ۱۳۹۲ به شماره پلاک ۱۵۷ل۱۳ ایران ۵۵ شماره موتور ۱۴۸K۲۰۲۱۵۱۲۴۷ به نام شماره شاسی NAAM۱۱CAYDR۹۱۷۳۹۵ به نام سید محمد دانا فر حسینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل مدرک پروانه مجوز واحد تزریقات دیالیز سان در محل مطب به شماره ۱۴۰/۳۳/۱۶ ب تاریخ ۱۳۹۷/۰۹/۲۱ به نام اینجانب محمد جابر فرزند حسین به شماره شناسنامه ۳۹۵۰۳۳۵۸۶۲ متولد ۱۳۶۹ صادره از نهاوند و کد ملی ۳۹۵۰۱۰۴۴۷۹ دارای مدرک تحصیلی کارشناس فوریت های پزشکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

پروانه ساخت کارخانه ظروف یکبار مصرف پلی استایرن رنگی با روکش پلی استایرن رنگی به شماره پروانه ساخت ۴۹/۱۵۲۴۴ در اوزان و احجام مختلف داخل روکش پلی اتیلنی با درجه غذایی با نام تجاری مازرون فوم نام کارخانه مازرون فوم قائم‌کده رقمی ثبت منبع ۱۹۲۶۹۱۵۴۳ به آدرس مازندران ساداکوه شمالی شهرک صنعتی بشل فازیک صادره از معاونت غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

پروانه ساخت کارخانه ظروف یکبار مصرف پلی استایرن رنگی در اوزان و احجام مختلف داخل روکش پلی اتیلنی با درجه غذایی به شماره پروانه ساخت ۴۹/۱۵۳۳۵ با نام تجاری مازرون فوم نام کارخانه مازرون فوم قائم‌کده رقمی ثبت منبع ۱۹۲۶۹۱۵۴۳ به آدرس مازندران ساداکوه شمالی شهرک صنعتی بشل فازیک صادره از معاونت غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

پروانه ساخت کارخانه ظروف یکبار مصرف پلی استایرن با روکش پلی استایرن رنگی در اوزان و احجام مختلف داخل روکش پلی اتیلنی با درجه غذایی به شماره پروانه ساخت ۴۹/۱۵۳۳۳ به نام تجاری مازرون فوم نام کارخانه مازرون فوم قائم‌کده رقمی ثبت منبع ۱۹۲۶۹۱۵۴۳ به آدرس مازندران ساداکوه شمالی شهرک صنعتی بشل فازیک صادره از معاونت غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت کارخانه ظروف یکبار مصرف پلی استایرن رنگی (فاکتور فروش) سند کارخانه و برگ سبز (سند مالکیت) متعلق به یک دستگاه خودروی سواری پراید مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ۵۱۵ل۱۷ ایران ۹۵ به شماره موتور ۱۳۶۳۶۳۱۴۸۴ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۸۹۳۹۴۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (سند مالکیت) متعلق به یک دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ۵۵۴ل۸۵ ایران ۹۵ به شماره موتور ۱۴۸K۲۰۶۲۷۴۰۴ به شماره شاسی NAAM۰۸۱CE۲HK۰۹۲۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (سند مالکیت) متعلق به یک دستگاه خودروی سواری کی ام سی مدل ۱۴۰۳ به شماره پلاک ۱۱۸ل۵۸ ایران ۹۵ به شماره موتور ۱۴۸K۲۰۶۲۶۱۰۳۹ به شماره شاسی HFC۶GC۱۶ER۲۶۲۱۰۳۹ به شماره موتور ۱۱۳۰۱۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

(فاکتور فروش) سند کارخانه و برگ سبز (سند مالکیت) متعلق به یک دستگاه خودروی سواری پژو پارس مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ۵۵۵ل۳۹ ایران ۴۰ به شماره موتور ۱۴۸K۲۰۶۱۲۶۲۱۹ به شماره شاسی NAAM۰۱۶CE۸MK۰۶۱۲۱۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

(فاکتور فروش) سند کارخانه و برگ سبز (سند مالکیت) متعلق به یک دستگاه خودروی سواری پراید مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ۵۱۵ل۱۷ ایران ۹۵ به شماره موتور ۱۳۶۳۶۳۱۴۸۴ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۸۹۳۹۴۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (سند مالکیت) متعلق به یک دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ۵۵۴ل۸۵ ایران ۹۵ به شماره موتور ۱۴۸K۲۰۶۲۷۴۰۴ به شماره شاسی NAAM۰۸۱CE۲HK۰۹۲۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز موتورسیکلت کیر مدل ۱۴۰۲ به شماره انتظامی ۱۳۶۲-۸۷۷۳۱ به شماره شاسی N۶۰HBAGTLP۲۴۱۲۳۷۰ به شماره موتور ۰۱۶۹N۶۰۲۳۲۸۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند خودروسواری پژو۴۰۵ به رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۱۳۹۸ به شماره پلاک ۱۱۴ل۱۷ ایران ۹۵ به شماره موتور ۱۴۸K۲۰۲۱۰۹۷ به شماره شاسی NAAR۱۶HMFSDN۱۳۹۴۶ به مالکیت فلکناز حاتمی حسن آباد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو وانت کامیونت ون مدل ۱۳۸۰ به شماره انتظامی ۲۴۶ ایران ۱۷ به شماره موتور ۱۵۸۸۶۶ شماره شاسی ۵۵۸۶۲۲ به مالکیت احمد دادرسی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سند کمپانی خودروی وانت پیکان ۱۶۰۰ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۴ به شماره موتور ۱۱۲۸۴۰۶۷۰۱ به شماره شاسی ۱۲۱۴۲۹۷۱ به شماره انتظامی ۳۳۸ س ۲۱ ایران ۲۴ به نام صغری عبداله زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری هاچ بک سایپا QUIJR مدل ۱۴۰۴ به رنگ سفید مشکی روغنی به شماره موتور NAPX۲۱AAS۱۳۴۲۴۶ شماره شاسی NAPX۲۱AAS۱۳۴۲۴۶ به شماره انتظامی ۲۷۶ و ۹۳ - ایران ۹۵ به نام امرا برخوردار مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و فاکتور فروش و سند مالکیت (برگ سبز) و کارت پلاک و کارت هوشمند سوخت خودروی سواری پیکان ۱۶۰۰ به رنگ سفید مدل ۱۳۷۹ به نام سازمان تبلیغات اسلامی استان یزد به شماره انتظامی ۵۲۷ ج ۸۳ ایران ۵۴ به شماره موتور ۱۱۲۷۹۶۵۸۷۱ شماره شاسی ۰۷۹۴۵۱۸۸۸ - به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و فاکتور فروش و سند مالکیت (برگ سبز) و کارت پلاک و کارت هوشمند سوخت خودروی سواری پراید صباحی تی ایکس به رنگ قرمز مدل ۱۳۸۲ به نام محمد سیاهانی به شماره انتظامی ۲۷۶ س ۸۹ ایران ۹۵ به شماره موتور S۲۰۹۲۸ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۲۹۹۸۰۵۹ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی خودروی کامیون امیاورا آتو ۰۰BDT مدل ۱۴۰۴ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۶۹۱ ج ۴۳ ایران ۹۵ به نام متین ماشوزعی به شماره موتور ۹۳۴۶۰۷۲۶ *ISD۲۰۰۰ به شماره شاسی ۰۰۰۵۷۷NAGBD۳۰۰ESR مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) و کارت پلاک خودروی وانت تویوتا استوت ۲۰۰۰ به رنگ سبز سروزعی مدل ۱۹۸۳ به نام محمد نعیم ملائی به شماره انتظامی ۶۷۲ س ۲۷ ایران ۹۵ به شماره موتور ۰R۱۲۷۲۰۷ به شماره شاسی ۰۷۰۸۲RK۱۱۰۶۰۷ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و فاکتور فروش و سند مالکیت (برگ سبز) و کارت پلاک کامیونت ون زامیاد Z۲۴NI به رنگ آبی روغنی مدل ۱۳۹۸ به نام جاسم بلوچ زهی به شماره انتظامی ۴۱۴ ج ۳۵ ایران ۹۵ به شماره موتور Z۲۴۴۷۳۷۲ Z به شماره شاسی NAZPL۱۴۰TL۰۵۸۱۹۷۵ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی واهور (برگ سبز) و کارت شناسایی ۴۰۷ج ۷۱ ایران ۷۲ و شماره موتور ۱۱۳۶۱۹ شماره شاسی C۱۴۶۲۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت واهور (برگ سبز) و کارت شناسایی سواری پژو۲۰۷ به شماره انتظامی ۶۷۵ ب ۶۳ ایران ۷۲ و شماره موتور ۱۷۸۵۰۰۸۱۶۷ به شماره شاسی NAAR۰۳FE۲NJ۲۱۳۹۶۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز پژو۴۰۵ مدل ۱۳۹۷ سند ۱۴۸K۲۰۱۶۲۰۸۱ به نام خیرالنسا کدخدازاده به شماره انتظامی ۲۳ - ۸۱ ایران ۹۵ شماره موتور ۱۲۴K۱۲۸۷۹۴۳ به شماره شاسی NAAM۰۱CE۰JK۰۴۲۶۹ به نام علی طالبی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز کارکرد پلاک سواری سیستم پژو تیپ ۴۰۵ جی ال ایکس به رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور ۱۴۸K۲۰۱۱۶۷۱۱۷ شماره شاسی NAAM۰۱CA۰AR۰۵۲۷۹۰۲ و شماره پلاک ایران ۹۵ - ۳۲۷ ص ۴۲ به نام محمد عارف بلبدنی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت خودرو وانت پیکان تیپ ۱۶۰۰ OHV به رنگ سفید شیری روغنی مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور ۱۴۸K۲۰۶۷۸۵۰ شماره شاسی NAAA۴۶AA۶BG۱۳۹۸۳۶ به شماره پلاک ۴۲ ص ۵۳۶ ایران ۹۶ به نام رضا قندالی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری TU۳۰۷ مدل ۱۴۰۴ به شماره انتظامی ۸۲۲ ه ۴۹ ایران ۱۷ به شماره موتور ۱۶۵A۰